

تغییرهای ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌شناسی و ظرفیت‌سنجی مسائل امنیتی

افشین متقی* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۴/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸

چکیده

عامل جمعیت با توجه به مختصات ملی، ویژگی‌های اجتماعی و درجه تحول‌های آن، در ارزیابی امنیت و قدرت سیاسی کشورها مؤثر است؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی‌های کلان هر کشور، توجه به داده‌های جمعیتی، اساس هر اقدامی (در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) است؛ برای مثال، وجود یا نبود توازن ساختار جمعیتی، بر مسائل آموزشی، رفاهی، خدمات‌رسانی، بیکاری و به‌طور کلی، موضوع‌های امنیتی کشور در سطوح خرد و کلان تأثیر می‌گذارد. هدف این پژوهش، بررسی آسیب‌ها و ظرفیت‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تغییرهای ساختاری جمعیت است تا از این رهگذر، با درک بهتر مسئله جمعیت و تحول‌های آن، از جمله موضوع کاهش یا افزایش جمعیت، توزیع جمعیت، تغییرهای هرم سنی جمعیت و... بتوان شناخت بیشتری از مسائل امنیتی به‌دست آورد و به برنامه‌ریزی دقیق‌تر در این زمینه پرداخت. پرسش بنیادی این پژوهش آن است که تغییرهای ساختاری جمعیت، چه تأثیری بر امنیت کشور در مقیاس ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گذارد. برای بررسی این موضوع، از رهیافت نظری باری بوزان استفاده شد که چارچوبی نوین در بررسی‌های امنیتی است و ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را ارزیابی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد کشور در حال تجربه نظام جدید جمعیت‌شناختی است که ابعادی نظیر توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت، شهرنشینی سریع، انتقال ساختار سنی، سالخوردگی، تغییرهای خانواده، نابرابری جنسیتی، فقر و نابرابری، تخریب محیط زیست و... را بر امنیت ایران به‌همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، ایران، جمعیت، مقیاس، نظریه بوزان.

مقدمه

تبیین تأثیرگذاری اموری چون جنگ و بحران بین‌المللی، فروپاشی نظام دوقطبی و تحول‌های ساختاری نظام جهانی بر امنیت ملی و بین‌المللی، ساده‌تر از توضیح وقایعی است که به‌آهستگی بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان تأثیر می‌گذارند. یکی از این موضوع‌ها، تحول‌های ساختاری جمعیتی است. موضوعی که امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در عرصه امنیت دولت‌ها به‌شمار می‌رود. از یک‌سو ساختار و مختصات جمعیتی نظیر رشد، توزیع سنی و جنسیتی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، نابرابری خدمات اجتماعی، آلودگی محیط‌زیست، ترافیک، اتلاف منابع، مصرف بی‌رویه انرژی و... در سیاست‌گذاری‌های کلان ملی تعیین‌کننده است و از سوی دیگر همین موضوع‌ها وارد حوزه امنیت جهانی و روابط بین‌الملل شده‌اند و به‌طورجدی، چالش‌هایی را فراروی دولت‌ها ایجاد کرده‌اند. به‌طورکلی، موضوع‌های جمعیتی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در پیوندی ناگسستنی با مسائل امنیتی هستند و در تضعیف یا تقویت امنیت ملی و بین‌المللی و همچنین ساختاردهی به سیاست‌های امنیتی دولت‌ها در سطوح داخلی و خارجی، اهمیت بسزایی دارند. جمعیت با توجه به ویژگی‌ها و صفات‌های ملی، مختصات اجتماعی و درجه تحول‌های جمعیتی، در ارزیابی امنیت و قدرت کشور به‌عنوان عاملی مؤثر مطرح است. براین‌اساس، در برنامه‌ریزی کلان، توجه به داده‌های جمعیتی، اساس هر نوع برنامه‌ریزی و اقدام در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است؛ برای مثال، توازن داشتن یا نداشتن ساختار جمعیت، بر مسائل آموزشی، رفاهی، خدمات‌رسانی، بیکاری و به‌طورکلی، مسائل امنیتی در سطح خرد و کلان یک کشور تأثیر می‌گذارد. با وجود این پیوند راهبردی میان تحول‌های ساختاری جمعیت و مسائل امنیتی و به‌دلیل اینکه جمعیت عامل و متغیری مستقل برای رخدادهای امنیتی نوین قلمداد می‌شود؛ پژوهش حاضر، آسیب‌ها و ظرفیت‌های مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران در محیط داخلی و خارجی را متأثر از تغییرهای ساختاری جمعیت بررسی می‌کند. محیط امنیتی هر دولت، برایندی از کنش و واکنش متغیرهای محیط داخلی و شرایط محیط خارجی است. شرایط و اقتضاهای محیط داخلی، شامل ساختار حکومت، تمرکز یا توزیع قدرت، صورت‌بندی‌های اجتماعی، فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی، وضعیت ژئوپلیتیک - ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، مؤلفه‌های قدرت، ایدئولوژی و ارزش‌ها می‌شود. اقتضاهای محیط خارجی نیز شامل ساختار قدرت، آنارشی یا نظم جهانی، فناوری، مسابقه تسلیحاتی و رقابت‌های منطقه‌ای می‌شود. با وجود این تقسیم‌بندی در محیط‌های امنیتی کشورها، پرسش اصلی این است که تغییرهای ساختاری جمعیت، چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را در نگرش امنیتی جمهوری اسلامی ایران در محیط داخلی و خارجی ایجاد می‌کنند؟

با رجوع به منابع آماری و بهره‌گیری از روشی توصیفی - تحلیلی، این فرضیه بررسی می‌شود که به‌دلیل تغییرهای ساختاری جمعیت کشور (کاهش یا افزایش جمعیت، توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت، سالخوردگی، نابرابری جنسیتی، تخریب محیط‌زیست و...)، محیط امنیتی ایران درحال تغییرهای جدی است. بدین‌منظور، از رهیافت نظری باری بوزان^۱ استفاده شد که چارچوبی نوین در بررسی‌های امنیتی است و ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی امنیت را مطرح می‌کند. فرایندهای متعددی در علوم مختلف اقتصاد، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، بهداشت و درمان، جغرافیا، محیط‌زیست، آموزش و... با مقوله جمعیت ارتباط دارند و جمعیت را می‌توان به‌عنوان عاملی تأثیرگذار از جنبه‌های مختلف (تعداد و ترکیب، جنسیت، سن، سطح آموزش (سواد و مهارت)، فقر یا رفاه، مسکن، اشتغال و...) بررسی کرد. با این‌حال، مقاله حاضر مشخصه‌های جمعیتی را از این دیدگاه‌ها بررسی نمی‌کند و از داده‌های آماری نیز در راستای چنین تحلیلی بهره‌گیری نمی‌شود؛ بلکه با نگرشی امنیتی، تحول‌های ساختار جمعیتی، ظرفیت‌ها و چالش‌های ناشی از آن بررسی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جنبه هدف و ماهیت، جزء تحقیق‌های بنیادی - کاربردی است و از لحاظ روش در زمره پژوهش‌های

کافی قرار می‌گیرد؛ روش کار توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و نیز مراجعه به آمارنامه‌ها گردآوری شده است.

مبانی نظری

امنیت یکی از مفاهیم اصلی در سیاست است و جایگاه ویژه‌ای در تبیین امور دارد، اما تعریفی قابل قبول از آن برای همگان وجود ندارد. این نبود قطعیت، ناشی از تحول تاریخی است که مفهوم امنیت را پشت سر خود دارد. در تحول مفهومی امنیت، تحول‌های نظام جهانی، موجب تحول در رویکردهای پارادایمی و تعاریف امنیت شده است. از این‌رو، در مقام شناخت و به‌کارگیری مفهوم امنیت نمی‌توان به‌وضوح، اصولی را فهرست کرد که در بررسی‌های امنیتی مورد توافق باشند.

۱. تعریف امنیت

در تفکر سیاسی، نخستین بار واژه امنیت را سیسرو^۱ و لاکرتیوس^۲ به‌کار بردند که به حالت روان‌شناختی و فلسفی ذهنی یا احساس درونی آزادشدن از اندوه اطلاق شد و بعدها در تاریخ روم، مفهومی سیاسی پیدا کرد. در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی نیز امنیت به مفهومی هنجاری تبدیل شد که با توسعه رفاه اجتماعی، رفاه عمومی و خیر همگانی هم‌معنا بود (امانت، ۱۳۹۰: ۱۴۶). به‌رغم این قدمت، کاوش نظری و واکاوی ابعاد مختلف امنیت، حداکثر به آغاز جنگ سرد بازمی‌گردد (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۵). از نظر لغوی، واژه امنیت از ریشه «Sine cura» به‌معنای «بدون ترس» است؛ واژه‌ای منعطف که ممکن است شامل ترس از تهدیدهای بزرگ علیه بشریت یا مسائل کوچک باشد. امنیت در سیاست داخلی، منطقه‌ای و جهانی، بیشترین ارتباط معنایی را با مفهوم ترس دارد و آن هم چیزی نیست جز تهدید علیه زندگی بشر که به او آزار می‌رساند یا او را در معرض نابودی قرار می‌دهد (هاووک، ۲۰۰۴: ۱۹۱). از نظر مازلو^۳، امنیت از دیرپاترین آمال و شروط بهزیستی انسان و ابزار حرکت به‌سوی خودشکوفایی است. در اولویت‌بندی او، پس از نیازهای اولیه (هوا، غذا، مسکن و پوشاک)، نیاز به امنیت قرار دارد و سایر نیازها در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۹). مفهوم عام امنیت، تمام ابعاد زندگی را دربرمی‌گیرد و به بقای موجودیت انسان پیوند می‌یابد؛ یعنی امنیت تضمین‌کننده حیات است؛ بنابراین، مهم‌ترین آرمان انسان است و بسته به عوامل متعدد، ابعاد مختلفی دارد (چوخاچی‌زاده و امینی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). حفظ حیات انسان، منوط به تأمین نیازهای مادی و معنوی است که در صورت تأمین‌نشدن یا نقص در تأمین آن، وجود انسان تهدید می‌شود؛ بنابراین، نیاز به امنیت در ارتباط با نیازهایی که با تنگنا روبه‌رو شده‌اند، در ذهن انسان شکل می‌گیرد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). امنیت، احساس برخاسته از ساختارها و فرایندهایی است که در آن‌ها، فرد خود را در برابر هر گزند عینی یا ذهنی، ماندگار تلقی کند. براین‌اساس، متناسب با مرجع امنیت، ترکیب‌های مختلفی از آن ساخته می‌شود که هر یک متناسب با پارادایم حاکم، تعریف ویژه‌ای می‌طلبند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۲). همچنین امنیت، مفهومی چندلایه است؛ یعنی گاهی به‌معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و گاهی اطمینان از سلامت جان و مال و ناموس است. پس امری استنباطی به‌شمار می‌رود که واقعیت‌یافتن آن در محیط، مستلزم اقدام‌هایی ویژه است. این حکم در مورد کشورها نیز جاری است؛ امنیت یک کشور، یعنی داشتن یا به‌دست‌آوردن اطمینان از سلامت «موجودیت» و «مایملک»، در مورد «اعتبار و موقعیت» و نسبت به همه آنچه زیر چتر «منافع» قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴). به‌طور کلی، امنیت، به‌معنای مصونیت ارزش‌های نادر انسان یا جوامع از مخاطره‌های طبیعی و انسانی است. امنیت فارغ از عینی یا ذهنی بودن، زیربنای تمام پیشرفت‌ها بوده است؛ بنابراین، جست‌وجوی امنیت، مهم‌ترین انگیزه انسان است که با جوهره هستی انسان، پیوندی ناگسستنی دارد (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۰).

1. Marcus Tullius Cicero

2. Titus Lucretius

3. Abraham Maslow

۲. رویکرد باری بوزان در بررسی امنیت

در نگاهی اجمالی به مفهوم امنیت، مشخص شد امنیت نیز مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی، مفهومی پیچیده است. برداشت‌های متفاوت نظری نیز بر اختلاف‌های آن افزوده و موجب تغییر در تعریف یا حتی ماهیت آن شده است. در مطالعه‌های سنتی، از دیدگاه واقع‌گرا امنیت به معنای تهدید نظامی نشدن یک کشور بود. در رویکرد آرمان‌گرایانه، امنیت به معنای ایجاد صلح از طریق نهادهای بین‌المللی بود. برای واقع‌گرایی، نکته اصلی ناامنی بود، نه امنیت؛ چراکه ناامنی همواره تهدیدکننده واحدهای سیاسی است و امنیت هدفی است که دولت‌ها در پی آن‌اند. ممکن است عوامل متعددی سبب بروز ناامنی شوند؛ قدرت که نقش محوری دارد، از جمله عوامل اصلی بروز ناامنی است. به همین دلیل، ناامنی فراگیر در سیاست بین‌الملل، نتیجه کشش‌های بازیگران برای به دست آوردن قدرت، کشمکش و رقابت بر سر آن در راستای تقویت و افزایش خودمختاری و پس‌زدن تهدیدها و امنیت به معنای نبود تهدید فیزیکی (از نوع نظامی) است (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۳-۹۲)، اما آرمان‌گرایان مطالعه‌های امنیتی خود را بر پایه صلح استوار می‌سازند و اعتقاد دارند پیروزی تضمین‌کننده امنیت نیست؛ زیرا شکست‌خوردگان در صدد مبارزه مجدد با فاتحان برمی‌آیند. همچنین، با استفاده از مفهوم عقاید، بر این باورند که با تغییر در عقاید هر بازیگر، مفهوم امنیت نیز همواره در معرض تغییر است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۰۴). با پایان جنگ جهانی دوم و تحول‌های جدید بین‌المللی به ویژه پیشرفت‌های اقتصادی، رشد جمعیت، نیاز به منابع جدید انرژی، شیوع بیماری‌هایی مانند ایدز و تغییرهای زیست‌محیطی، دیگر نگاه سنتی به امنیت امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین، تعریف جدیدی از تهدید امنیتی ضروری شد. کیسینجر^۱ (۱۹۷۵) در این زمینه اظهار کرد: «پیش‌رفتن جهت اقدام در مورد دستور کار سنتی، دیگر کافی نیست. موضوعات جدید پدیدار شده‌اند. مسائل انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا، هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که به طور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند» (لینکلینتر، ۱۳۸۵: ۲۱۱). فروپاشی جنگ سرد و تحول‌های ناشی از آن، روند مذکور را شتاب بخشید. با کاهش قدرت تبیین‌گری مطالعه‌های سنتی امنیت، ناگزیر به حوزه‌های دیگری مانند تهدیدهای غیرنظامی توجه شد. مطالعه‌های جدید، طیفی گسترده از تهدیدهای نظامی و غیرنظامی دولت‌ها و فراتر از آن، امنیت تمام بازیگران را ارزیابی کرد. یکی از این مطالعه‌ها، رویکرد باری بوزان است که در چارچوب مکتب نواقح‌گرایی^۲ قرار دارد. بوزان در مواجهه اولیه با مسئله امنیت معتقد است هیچ تعریفی از امنیت وجود ندارد که مورد توافق همگان باشد. در واقع، ماهیت امنیت با پذیرش تعریفی جامع و مانع در تعارض است. او با همکاری ویور و دوواید^۳، مکتب کپنهاگ را بنا نهاد؛ مکتبی که به جای تبیین سنتی امنیت بر اساس قدرت-امنیت، به تبیین آن بر اساس تهدید-امنیت می‌پردازد. بر همین اساس، امنیت احساس رهایی از تهدید تعریف می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۵). بوزان با انتقاد از برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم امنیتی و برخلاف اعتقاد واقع‌گرایان به کسب امنیت از طریق قدرت یا اعتقاد آرمان‌گرایان به تأمین امنیت از طریق صلح، معتقد است که اکنون دیدگاهی میانه مورد نیاز است تا هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶). در این رویکرد، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها ممکن است در زمینه‌های مختلف نظامی و غیرنظامی به وجود آیند، اما برای اینکه جزء مسائل امنیتی قرار گیرند، باید با معیارهای تعریف‌شده‌ای که آن‌ها را از مسائل ساده صرفاً سیاسی متمایز می‌کند، مطابقت داشته باشند و باید به عنوان تهدیدی واقعی علیه یک موضوع، به آن‌ها توجه کرد. پس موضوع‌های مختلفی در مباحث امنیتی مطرح می‌شوند؛ اگرچه تهدیدکننده نباشند (هاووک، ۲۰۰۴: ۲۰۳). در واقع، خطرهای امنیتی فقط نظامی نیستند؛ بلکه بحران‌های فراملی چون تروریسم، رشد سریع جمعیت و تحول‌های آن، قاچاق مواد مخدر، معضله‌های زیست‌محیطی و سیل‌آوارگان در زمان حال و آینده، بر سیاست‌های امنیتی کشورها تأثیر جدی دارد.

بوزان و همکارانش، ابعاد امنیت را به پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهند و برخلاف رویکردهای پیشین- که در آن‌ها امنیت، امری عینی و واقعی تصور می‌شد- معتقدند امنیت مسئله‌ای

1. Henry Kissinger

2. Neorealism

3. Ole Waver and De Wild

«بین‌الذهانی»^۱ و مبتنی بر تصمیم بازیگران است. امکان دارد برداشت‌ها و ادراک‌های امنیتی متفاوتی از سوی بازیگران مختلف در مورد یک موضوع ویژه روی دهد. همچنین، برداشت دیگران در مورد امنیتی ساختن یک موضوع توسط یک بازیگر اهمیت می‌یابد؛ زیرا این برداشت در نهایت بر نحوه پاسخ آن‌ها تأثیر می‌گذارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷). این مسئله، تنگنا یا دوراهی امنیت است؛ یعنی درحالی‌که یک موضوع در نزد بازیگری تهدیدی امنیتی قلمداد می‌شود، نزد بازیگری دیگر مسئله‌ای عادی است؛ برای مثال، افزایش قدرت نظامی یک کشور برای مقاصد دفاعی، تهدیدی علیه امنیت ملی رقیب تلقی می‌شود. در نگرش بوزان، مسائل از دستور کار امنیتی خارج می‌شوند. برای اینکه موضوعی، امنیتی قلمداد شود، دو معیار لازم است: الف) مسئله مورد نظر باید به‌گونه‌ای باشد که حیات شهروندان را به‌خطر بیندازد. ب) مسئله خارج از قوانین موجود باشد؛ بدین‌معناکه نتوان از طریق موازین قانونی، آن را کنترل یا مهار کرد. براین‌اساس، به‌جای بحث در مورد تهدیدهای امنیتی، به فرایندی توجه می‌شود که در نتیجه آن، تهدید امنیتی شکل می‌گیرد. پس امنیت، پدیده‌ای است که در بستر فرایند شکل می‌گیرد و در صورت به‌خطرافتادن، به‌جای تلاش برای مقابله با تهدید، باید به شناسایی فرایندی پرداخت که سبب تهدید آن شده است. از این طریق می‌توان مانع ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری تهدیدهای امنیتی شد (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۵).^۲ در رویکرد بوزان، محور و مرجع امنیتی همچنان دولت است؛ یعنی اگرچه امنیت به سطوح فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌شود، اما مرکز ثقل، همچنان مطالعه امنیت ملی است. همچنین، با وجود نظام آنارشیک بین‌المللی، امنیت ملی همه دولت‌ها در ارتباط با تأمین امنیت دیگران است؛ بنابراین، دولت‌ها باید امنیت سایر بازیگران را به رسمیت بشناسند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۶۰). به‌طورکلی، بوزان با طرح مباحث نوینی مانند فراخ‌شدن دامنه مطالعه‌های امنیتی کنش‌گفتاری، معماگونگی امنیتی، امنیت جامعه‌ای، مرجع فرادولتی امنیت و بالاخره امنیتی/ غیرامنیتی‌دیدن، گام‌های مهمی در حوزه مطالعه‌های راهبردی/ امنیتی برداشته است (والث، ۱۹۹۱: ۲۱۳). از نظر بوزان، تأکید بر صلح و همکاری یا قدرت‌طلبی بازیگران، برای تبیین‌گری کافی نیست؛ چراکه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، هویتی، زیست‌محیطی و نظامی، رقابت شدیدی بین دولت‌ها وجود دارد؛ بنابراین، با بررسی امنیت در پنج حوزه مذکور می‌توان گستردگی تعارض‌های موجود را درک کرد.

۳. اهمیت و ضرورت شناخت مسائل جمعیتی

جمعیت انسانی، یکی از عناصر مهم مکان و فضای جغرافیایی است و به‌لحاظ ژئوپلیتیکی، هریک از پدیده‌های محیط طبیعی (ثابت یا متغیر) را می‌توان در یک قطب و انسان را به‌تنهایی در قطب دیگر قرار داد. جمعیت به‌مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کند. هرچند موضوع جمعیت، بیشتر در مباحث جغرافیای انسانی و جمعیت‌شناسی مطرح است، اما اثربخشی سیاسی آن را می‌توان در حوزه سیاست بررسی کرد. از این‌جهت، همواره ماهیت تحول‌های جمعیت، از پدیده‌های مورد بررسی در سیاست بوده است. از طرفی، جمعیت ارتباط محکمی با توسعه و برنامه‌ریزی در راستای آن دارد و جهت‌گیری و میزان توسعه، تابعی از ویژگی‌های آن دانسته می‌شود. هرچند بنیان اصلی هر دولتی، سرزمین آن است، اما وجود واقعی آن، تنها در شرایط وجود مردم، نحوه توزیع، ویژگی‌های زیستی و دموگرافیک، توسعه اقتصادی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی و میراث فرهنگی مردم معنا می‌شود و توسعه یک سرزمین، در گرو جمعیت انسانی و قدرت تولیدی آن است (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۵). در مباحث ژئوپلیتیکی، اهمیت جمعیت به‌اندازه‌ای است که یکی از عوامل اصلی در بررسی جایگاه کشور به‌شمار می‌رود. در اندازه‌گیری قدرت یک دولت، علاوه‌بر موقعیت، اندازه و وسعت جغرافیایی، منابع قابل دسترسی، میزان توسعه اقتصادی، تجهیزات و فناوری‌های نظامی، وضعیت دیپلماتیک دولت و نفوذ در مجامع بین‌المللی، هویت و فرهنگ ملی کشور، جمعیت، اندازه و ساختار جمعیت آن کشور، مؤلفه‌های بنیادی دانسته می‌شود (خادم، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

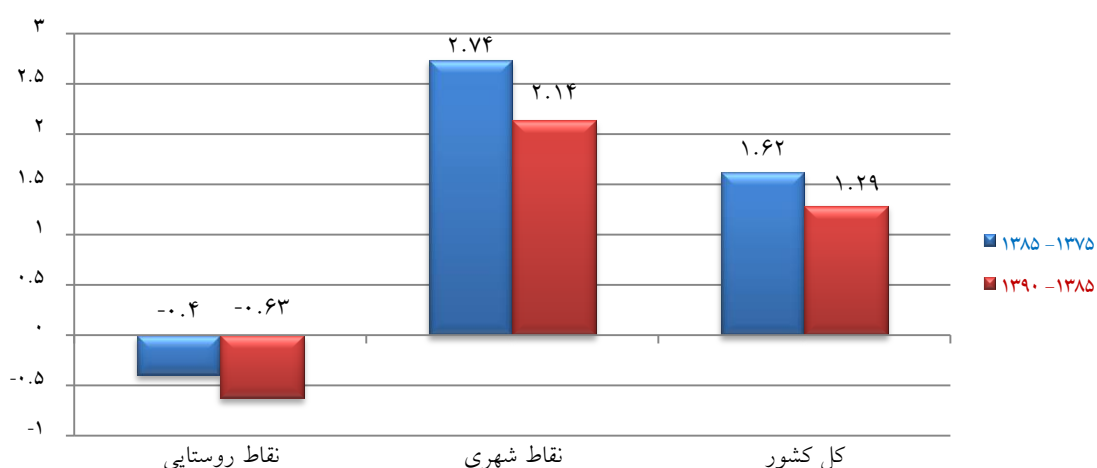
1. Inter- Subjective

۲. شایان ذکر است که فقط جمعیت را نمی‌توان مسئله‌ای امنیتی برای ایران تلقی کرد؛ زیرا روند جمعیتی، هنوز حیات شهروندان را به‌خطر نینداخته است. همچنین، تجربه ایران در زمینه مهار رشد جمعیت نشان می‌دهد می‌توان از طریق موازین قانونی آن را کنترل کرد؛ بنابراین، با توجه به رویکرد بوزان، به‌جای بحث بر سر اینکه جمعیت، تهدیدی امنیتی است، باید به فرایندهایی که در نتیجه آن، جمعیت به‌عنوان تهدید نمود می‌یابد توجه کرد؛ چراکه همواره امنیت در بستر فرایندها شکل می‌گیرد. به‌جای تلاش برای مقابله با تهدید، باید به شناسایی فرایند به‌وجودآمدن آن پرداخت تا بتوان مانع از ظهور زمینه‌های تهدیدهای امنیتی شد.

ترکیب و ویژگی‌های جمعیت، در موقعیت دولت در عرصه سیاست بین‌الملل و ایفای نقش مؤثر یا غیرمؤثر آن بسیار تعیین‌کننده است؛ به‌گونه‌ای که کم و کیف جمعیت لازم و ملزوم یکدیگرند. در این مورد، باید به سطح سواد، مهارت، اطلاعات، رفاه و... اشاره کرد. این عوامل در کنار متغیرهای فرهنگی و هنجاری، در نوسان قابلیت‌های استخراجی، تلفیقی و نمادین مؤثرند. وجود شکاف‌های گوناگون مذهبی، نژادی، قومی، اجتماعی، جنسی، اقتصادی، نسلی و همچنین ترکیب ناهمگون جمعیت، ممکن است در موقعیت و کارکرد دولت تأثیر بسزایی بگذارد (قوام، ۱۳۸۶: ۱۵۳). قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، مؤلفه‌های متعددی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بیانگر ویژگی‌ها و صفات‌های جمعی افراد یک ملت است. وقتی به قدرت در قالب ملت نگاه کنیم، از برابری توانایی‌های آن جامعه، به قدرت عمومی و کلی آن پی می‌بریم؛ بنابراین، مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملت داده‌اند و شکل یک سازمان سیاسی یافته‌اند، قدرتی دارند که از برابری قوای ترکیب‌شده آن‌ها به‌دست می‌آید. به‌طورکلی، قدرت ملی یعنی مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۶). از نظر هانس مورگنتا، میزان جمعیت یکی از عواملی است که قدرت ملی به آن بستگی تام دارد؛ بنابراین، در تلاش برای ارزیابی توزیع جهانی قدرت در آینده، پیش‌بینی روند رشد جمعیت نقش مهمی ایفا می‌کند؛ چراکه با برابرفرض کردن سایر عوامل، کاهش شدید نیروی انسانی یک ملت در مقایسه با رقبایش در صحنه بین‌الملل، متضمن کاهش قدرت ملی است و افزایش چشمگیر آن، در شرایط مشابه به افزایش قدرت ملی می‌انجامد (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۲۳-۲۲۵). در راستای ارتقای این قدرت ملی و توسعه جایگاه کشور، پیش‌بینی نیازها و امکانات در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت و سپس طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در جهت تأمین آن نیازها ضروری است. شناخت مسائل جمعیتی، یکی از مهم‌ترین ابزارها در راستای این برنامه‌ریزی کلان کشور است. برنامه‌ریزی بر مبنای تحول‌های مربوط به جمعیت، یعنی از پیش‌اندیشیدن، تجسم کردن یا طراحی وضعیت مطلوب آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم سازد (رضائیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷). بی‌گمان چنین برنامه‌ای، زمانی موفق خواهد بود که شناخت دقیقی از تحول‌های ساختاری جمعیت شامل تعداد، وضعیت، مشخصات و حرکت‌های جمعیت در گذشته، حال و آینده وجود داشته باشد و روابط بین متغیرهای جمعیتی و سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته شود. در مجموع، پارامترهای جمعیتی مانند رشد، توزیع سنی و جنسی، ترکیب و جوانی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی شهری، نابرابری دسترسی به خدمات اجتماعی و رفاهی در شهر و روستا، آلودگی‌های زیست‌محیطی، ترافیک سرسام‌آور شهری، روزافزون شدن گرایش به بهره‌برداری از منابع، مصرف بی‌رویه انرژی‌های راهبردی و استهلاک روزافزون زیرساخت‌ها، سیاست‌های امنیتی حساس به جمعیت را در پی دارد.

بحث و یافته‌ها

تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در افق برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، بدون شناخت مناسب جمعیت که در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، راهبردی اساسی محسوب می‌شود، ناکارآمد و گاه بحران‌زا خواهند بود. این موضوع، بیانگر اهمیت جمعیت و مسائل مربوط به آن است؛ مؤلفه‌ای چندبعدی که از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. با مقایسه زمینه تاریخی تحول‌های جمعیتی ایران مشخص می‌شود میزان شدید رشد جمعیت کشور که در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی آغاز شده بود، در سال‌های اخیر تا حد زیادی کاهش یافته است.



شکل ۱. مقایسه متوسط رشد سالانه جمعیت ایران^۱، ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۰

همچنین، ساخت سنی جمعیت- که اهمیت کمی و کیفی بسیاری دارد و یکی از مشغله‌های ذهنی سیاستگذاران کشور است- تغییرهای زیادی داشته است. برای داشتن تصویری کلی از ساخت جمعیت، ساختار جمعیت در سه گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۱۵-۶۴ سال و ۶۵ سال و بیشتر بررسی می‌شود.

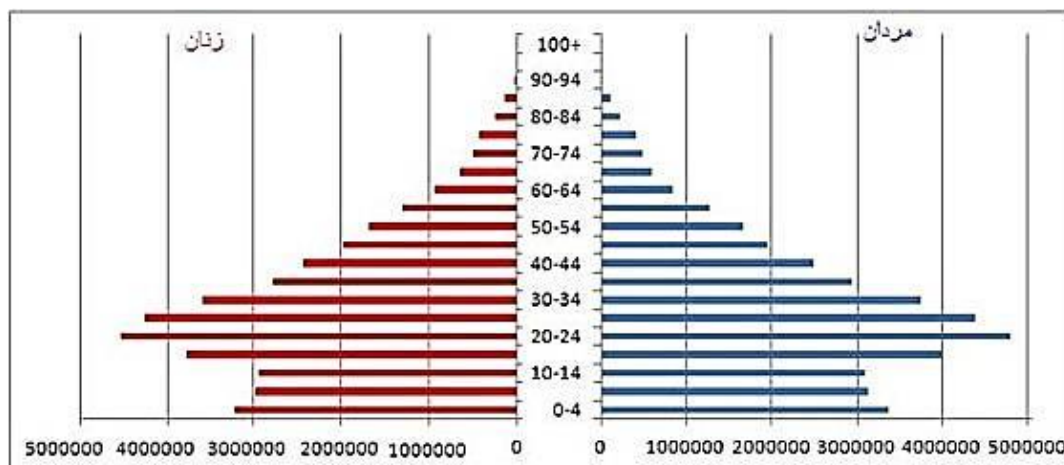
جدول ۱. مقایسه جمعیت ایران^۲ به تفکیک جنس و درصد تغییرهای گروه‌های سنی (۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰)

سال	جمعیت	مرد	زن	خانوار	۰-۱۴	۱۵-۶۵	۶۵ و بیشتر
۱۳۹۰	۷۵,۱۴۹,۶۶۹	۳۷,۹۰۵,۶۶۰	۳۷,۲۴۴,۰۰۰	۲۱,۱۸۵,۶۴۷	۲۳/۴	۷۰/۹	۵/۷
۱۳۸۵	۷۰,۴۹۵,۷۸۲	۳۵,۸۶۶,۳۶۲	۳۴,۶۲۹,۴۲۰	۱۷,۵۰۱,۷۷۱	۲۵/۱	۶۹/۷	۵/۲
۱۳۷۵	۶۰,۰۵۵,۴۸۸	۳۰,۵۱۵,۱۵۹	۲۹,۵۴۰,۳۲۹	۱۲,۳۹۸,۲۳۵	۳۹/۵	۵۶/۱	۳/۴
۱۳۶۵	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	۲۵,۲۸۰,۹۶۱	۲۴,۱۶۴,۰۴۹	۹,۶۷۳,۹۳۱	۴۵/۵	۵۱/۵	۳/۰
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۸,۷۴۴	۱۷,۳۵۶,۳۴۷	۱۶,۳۵۲,۳۹۷	۶,۷۱۱,۶۲۸	۴۴/۵	۵۲/۰	۳/۵

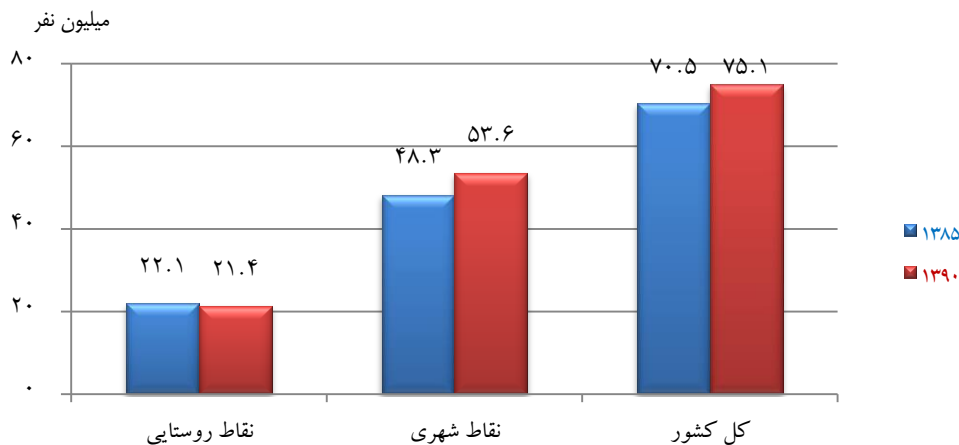
در جمعیت‌شناسی براساس شاخص ورتهایم، اگر ۴۰ درصد و بیشتر از جمعیت را افراد با سن کمتر از ۱۵ سال تشکیل دهد، جمعیت کشور جوان تلقی می‌شود. هرم سنی جمعیت ایران بیانگر آن است که ساختمان سنی درحال معکوس‌شدن است؛ یعنی جمعیت کشور که نسبتاً جوان است، در آینده به سوی سالمندی پیش می‌رود. سالمندی به این معناست که نسبت افراد سالمند به کل جمعیت، درحال افزایش است؛ به عبارتی، جمعیت روبه‌سوی سالمندی، جمعیتی است که بین ۷ تا ۱۴ درصد آن را گروه‌های سنی ۶۵ ساله و بیشتر تشکیل می‌دهند. این نسبت در جامعه سالمند، بین ۱۴ تا ۲۰ درصد و در جامعه سالخورده ۲۰ درصد و بیشتر است. توضیح اینکه هرگاه میزان مرگ‌ومیر به حداقل برسد و میزان موالید نیز کاهش یابد، جمعیت سالمندان افزایش می‌یابد (فتحی، ۱۳۸۸: ۲۱).

۱. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰؛ قابل دسترسی در تارنمای مرکز آمار ایران (www.amar.org.ir)

۲. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

شکل ۲. هرم سنی جمعیت ایران^۱

شهرنشینی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و جمعیتی عصر حاضر محسوب می‌شود. در ایران نیز تحول شهرنشینی بسیار شتابان بوده است. عوامل افزایش جمعیت شهرها عبارت‌اند از: ۱. افزایش طبیعی جمعیت در دوره‌ای مشخص، ۲. مهاجرت از نقاط دیگر مانند روستاها و حتی شهرهای کوچک، ۳. ادغام حومه‌های شهری با شهر و ۴. رشد طبیعی روستاها و تبدیل شدن به شهر. براین اساس، باید گفت مهم‌ترین شاخص قانونی و رسمی مربوط به تقسیمات کشوری در جمهوری اسلامی ایران، جمعیت است و الگوی مسلط تقسیماتی موجود به سوی پارامترهای جمعیتی می‌رود؛ بنابراین، شاخص‌های جمعیتی در ایران، ارتقای واحد سیاسی به مرتبه بالاتر را در گرو دسترسی یک ناحیه به سقف مشخص جمعیتی معرفی می‌کند (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

شکل ۳. مقایسه میزان رشد جمعیت ایران^۲ در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

به‌طور مختصر، ویژگی‌های جمعیتی ایران بدین شرح است:

- کاهش ضریب جوانی جمعیت و افزایش شمار و نسبت سالمندان ۶۰ ساله و بیشتر؛
 - کاهش شمار و نسبت جمعیت نیازمند آموزش در مقاطع آموزشی ابتدایی و راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه؛
 - تشدید روند شهرنشینی و نیز روند تمرکزگرایی جمعیت در کلان‌شهرها و قطب‌های توسعه برخوردار؛
 - کاهش وابستگی یا بار تکفل نظری جمعیت؛
- این موارد پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال دارد؛ از جمله:

۱. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.

۲. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.

- کاهش نسبی ابعاد مصرفی خانوارها در نتیجه کاهش نسبی کودکان و نوجوانان؛
- افزایش توان سرمایه‌گذاری خانوارها در نتیجه کاهش میزان وابستگی؛
- ایجاد تغییرهای ساختاری در نظام آموزشی؛
- استفاده بهینه از ظرفیت‌های بالقوه تولیدی در راستای توسعه اشتغال؛
- توجه به تخصیص بهینه منابع فیزیکی به منظور توسعه همگن در مناطق مختلف جغرافیایی؛
- توجه به کاهش نابرابری درآمدی بین اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی.

با توجه به ویژگی‌های جمعیتی ایران، در بررسی مسائل امنیتی، فقط کاهش یا افزایش جمعیت کشور مطرح نیست؛ بلکه در زمینه تغییرهای ساختاری می‌توان ویژگی‌های مختلفی را در نظر داشت؛ از جمله تعداد و ترکیب، جنسیت، سن (جوانی یا پیری)، سطح آموزش (سواد و مهارت)، فقر یا رفاه، مسکن، اشتغال و بیکاری و...، که در همه این موارد، ظرفیت‌هایی برای چالش‌های امنیتی یک کشور وجود دارد. براساس چارچوب تحلیلی مقاله- که امنیت را به ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه می‌دهد- جمعیت و ویژگی‌های ساختاری آن را می‌توان متغیری تأثیرگذار دانست؛ بنابراین، در ادامه در روندی منظم، تأثیرگذاری جمعیت بر هر یک از این ابعاد، به‌طور مجزا بررسی می‌شود.

۱. ظرفیت‌سنجی آسیب‌ها و چالش‌های جمعیتی در مسئله امنیت

تک‌بعدی بودن بررسی‌های سنتی امنیت، موجب بی‌توجهی به سایر عوامل تأثیرگذار بر جنبه‌های امنیتی شد، اما توجه به متغیرهای چندگانه و تأثیرهای آن‌ها موجب تحول مفهومی امنیت شد که توسعه مفهومی آن به ابعاد پنج‌گانه مورد نظر باری بوزان، بیانگر این تغییر است؛ بنابراین، ویژگی‌های جمعیتی و تحول‌های ساختاری جمعیت نیز از جمله عواملی است که بر جنبه‌های مختلف امنیتی تأثیر می‌گذارد. وضعیت جمعیت‌شناختی ایران در حال حاضر، به پایان مرحله اول گذار جمعیتی خود رسیده است و در حال تجربه نظام جمعیتی جدیدی است. این امر جامعه ایران را با ابعاد و مسائل نوظهور جمعیتی، نظیر توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی سریع، انتقال ساختار سنی، سالخوردگی جمعیت، تغییرهای خانواده، نابرابری جنسیتی، رشد فزاینده تعداد زنان سرپرست خانوار، فقر و نابرابری، تخریب محیط زیست و موضوع‌های مرتبط دیگر مواجه می‌سازد (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۵). مؤلفه‌های مختلفی از جمله تعداد مطلق، تراکم، رشد، ویژگی‌ها و حرکت‌های جمعیتی (مرگومیر، باروری و مهاجرت)، مناسبات تنگاتنگی با توسعه ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی مربوط به امنیت دارند. ادبیات پژوهشی مناسبات جمعیت و توسعه نیز نشان می‌دهد تحول‌های کمی و کیفی جمعیت، این قابلیت را دارد که بر مؤلفه‌های ویژه توسعه تأثیرگذار باشد، درحالی‌که از آن‌ها تأثیر نیز می‌پذیرد (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

۲. تأثیر امنیتی ساختار جمعیت در بعد اقتصادی

تهدیدهای اقتصادی، از پیچیده‌ترین اشکال تأثیرگذار بر امنیت یک کشور محسوب می‌شوند. به لحاظ نظری، شرایط اقتصاد بازار شامل یک رقابت خطرآفرین، تهاجمی و مبهم است؛ زیرا برای آنکه بازار درست کار کند، همواره باید بازیگران بدون کارایی را به ورشکستگی تهدید کند؛ یعنی بازیگران باید احساس ناامنی کنند تا سیستم، ثروت و رفاه تولید کند (عصریان‌نژاد، ۱۳۸۲: ۴۵). بدین ترتیب، بعد امنیتی اقتصاد از دغدغه‌های اصلی دولت‌هاست. اهمیت آن بدین جهت است که از یک سو تحکیم بنیان و ثبات اقتصاد ملی و رهایی از وابستگی، به‌ویژه رهایی از اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی به سرمایه، کالا و فناوری کشورهای دیگر و از سوی دیگر وابستگی کشورهای صنعتی به مواد خام وارداتی از کشورهای توسعه‌نیافته، موجب پیوند و ارتباط امنیت ملی با امنیت بین‌المللی شده است (روشندل، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳)؛ بنابراین، باید بعد اقتصادی امنیت را در سطح داخلی و خارجی تأثیرگذار دانست؛ به طوری که ضعف یا قدرت اقتصادی، فقط به محیط داخلی کشورها محدود نمی‌شود و بر دیگر بازیگران محیط بین‌المللی نیز تأثیر می‌گذارد. نمونه چنین پیوندی را می‌توان در تأثیرپذیری اقتصاد بسیاری از کشورها از بحران اقتصادی اروپا و آمریکا دید. در زمینه متغیرهای

جمعیتی در ایران، شواهد بیانگر آن است که افزایش جمعیت در سه دهه گذشته، بر رشد اقتصادی تأثیر گذاشته و شاخص‌های اقتصادی سرانه، تغییر چندانی نداشته است. شاخص‌های اقتصادی در ایران، بیش از هرچیز از قیمت نفت تأثیر پذیرفته‌اند، اما ارتباط مؤثری با جمعیت دارند؛ برای مثال، رشد جمعیت به‌ویژه در یک دهه پس از انقلاب اسلامی تا امروز تأثیر خود را در پایین‌نگه‌داشتن شاخص‌های اقتصادی، از جمله تولید ناخالص داخلی سرانه حفظ کرده است (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). با نگاهی به هرم سنی جمعیت ایران و معکوس شدن روند سنی جمعیت، به‌یقین، مسائل جدیدی در مورد امنیت اقتصادی کشور در حال شکل‌گیری است که در ادامه شرح داده می‌شود.

الف) از آنجاکه جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۰ سال، غیرفعال یا خارج از سنین کار در نظر گرفته می‌شوند، پدیده سالمندی جمعیت دو پدیده منفی کاهش نیروی کار و افزایش نسبت وابستگی اقتصادی را در پی دارد. کاهش نیروی فعال اقتصادی، به افزایش میزان جمعیت مصرف‌کننده منجر می‌شود (سیدمیرزایی، ۱۳۸۶: ۲۱۵).

ب) کاهش میزان تولید کشور و افزایش مصرف، به مشکلاتی در زیرساخت‌های اقتصادی کشور منجر می‌شود؛ برای مثال، توزیع ناهمگون جمعیت شهری بیانگر آن است که در سال ۱۴۰۴، مساحت مناطق شهری کشور حدود سه‌برابر مساحت کنونی خواهد بود. در این صورت، در بسیاری از زمین‌های کشاورزی اطراف شهرها، فعالیت‌های شهری و ساخت‌وساز انجام خواهد گرفت. علاوه بر این، تأمین زیرساخت‌های شهری، تأمین آب شرب و سایر نیازهای شهری، دشواری‌هایی در پیش خواهد داشت؛ برای مثال، اختصاص ذخیره آب سدهای بزرگ برای مصارف شرب شهری، ایجاد سدهای جدید ذخیره آب و محروم شدن زمین‌های کشاورزی اطراف از آب، از مهم‌ترین مشکل‌ها و معایب خواهد بود.

ج) نبود توازن در توزیع منابع اقتصادی و برهم خوردن تعادل زیرساخت‌های تولیدی کشور، جابه‌جایی نیروی انسانی را به همراه دارد. افزایش جمعیت شهری و برهم خوردن تعادل جمعیتی، تنها معلول تفاوت زادوولد و مرگ‌ومیر بین شهر و روستا نیست؛ بلکه جابه‌جایی نیروی انسانی، از عمده‌ترین دلایل آن است. جابه‌جایی جمعیت، جابه‌جایی سرمایه را نیز به دنبال دارد. به علاوه، مهاجران معمولاً از طبقات سنی ویژه‌ای هستند. این موضوع موجب برهم خوردن ساختار سنی و ساختار جنسی جمعیت می‌شود. همچنین، مناطق مهاجرفرست، نیروی کار خود را از دست می‌دهند و در مناطق مهاجرپذیر، شغل‌های کاذب، زاغه‌نشینی و... ایجاد می‌شود.

د) گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت، موجب تغییرهای شدید کاربری اراضی می‌شود. در طول ۳۰ سال، مساحت شهرهای کشور به بیش از چهاربرابر رسیده است. با گسترش مساحت شهرها، در بسیاری از زمین‌های مرغوب حاشیه آن‌ها ساخت‌وساز صورت می‌گیرد و این زمین‌ها از روند تولید اقتصادی خارج می‌شوند (وارثی، ۱۳۸۶: ۹).

ه) اطمینان از رفاه و امنیت اقتصادی، ارزش‌های ملی را ایجاد می‌کند؛ به‌حدی که نخبگان حاکم، موضوع‌های اقتصادی را به‌مثابه ملاحظه‌های امنیتی قلمداد می‌کنند. توسعه‌نیافتگی و محرومیت اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند، ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و چنددستگی داخلی را شدت می‌بخشد. ضعف داخلی نیز سبب اقدام‌های خصمانه از جانب دشمنان بالقوه یا بالفعل می‌شود (آزر و مون، ۱۳۷۹: ۳۶۸)؛ بنابراین، نداشتن تصور مطلوب از وضعیت اقتصادی موجود و اوضاع اقتصادی در آینده، موجب ایجاد حس ناامنی در جامعه می‌شود. این در حالی است که احساس ناامنی اقتصادی به‌دلیل تقابل این مقوله با نیازهای اولیه مردم به‌سرعت گسترش می‌یابد و در مدت کوتاهی، بر قسمت زیادی از جامعه تأثیر می‌گذارد.

در مجموع، متغیرهای جمعیتی مانند میزان جمعیت مصرف‌کننده و میزان نیروی فعال تولیدکننده، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر زیرساخت‌های اقتصادی کشورند. بی‌کفایتی زیرساخت‌ها به نبود توازن میان جمعیت شهری و روستایی، جابه‌جایی‌های جمعیتی، برهم خوردن تعادل ساختار سنی و جنسی جمعیت منجر می‌شود. از این رو، در بعد اقتصادی، تحول‌های ساختاری جمعیت، تأثیرهای ماندگار و آشکاری در امنیت یک کشور دارند و به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. به‌طور کلی، باید گفت از آنجاکه ترکیب و کم و کیف جمعیت، تأثیر مستقیمی در تولید ناخالص ملی و شرایط اقتصادی کشور دارد، بعد اقتصادی امنیت شاید بیشترین تأثیرپذیری را از تحول‌های جمعیتی داشته باشد.

۳. تأثیر امنیتی ساختار جمعیت بر بعد سیاسی

بوزان معتقد است تهدیدهای سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت‌اند. هدف این تهدیدها براساس فشار بر حکومت درمورد یک سیاست ویژه یا براندازی حکومت و برهم‌زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت است؛ بنابراین، ایده دولت و امور مربوط به آن، به‌ویژه هویت ملی و ایدئولوژی سازمان‌دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، از اهداف عادی تهدیدهای سیاسی به‌شمار می‌روند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۳). بنابر این اصل، تحولات ساختاری جمعیت در پیش‌بینی الگوهای مخاطره‌های سیاسی نقش بسزایی دارند؛ اگرچه این رابطه غیرمستقیم است. با بررسی میزان رشد جمعیت، امید به زندگی، جمعیت شهری، مرگ‌ومیر جوانان و کودکان، خشونت‌ها و تهدیدهای سیاسی را می‌توان پیش‌بینی کرد؛ برای مثال، شاخص جمعیتی مرگ‌ومیر، بیانگر سطح درآمد، توزیع درآمد، تدارک خدمات درمانی-بهداشتی، تغذیه و نمایانگر کیفیت زندگی اجتماعی است. بدین ترتیب، امکان بروز این مسائل سیاسی وجود دارد:

الف) یکی از فرایندهای امنیتی جمعیت که توجه سیاست‌پژوهان را به‌خود جلب کرده است، تورم جوانی و تأثیر آن بر ایجاد، گسترش کیفی و رشد کمی خشونت است. براین اساس، به موازات بروز پدیده تورم جوانی، تقاضای زیاد برای کار و درآمد و دریافت وجهه اجتماعی صورت می‌گیرد که به دلیل وجود بعضی از موانع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به‌خوبی برآورده نمی‌شود. این امر به تشدید کشمکش‌های سیاسی منجر می‌شود. همچنین، بعضی وقایع جمعیتی با یکدیگر در تعارض‌اند؛ مانند ضرورت میزان بالای جمعیت باسواد که به افزایش تقاضای کار و پیامدهای آن منجر می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۸: ۷).

ج) مردم در محیط و محل سکونت خود به امنیت نیاز دارند و نبود یا کاهش میزان امنیت، تأثیری مستقیم بر ساختار و تراکم جمعیت در مناطق مختلف می‌گذارد. در محیط‌های کم‌جمعیت مانند شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست (و حتی تا چند نسل گذشته یکدیگر را می‌شناسند)، خودبه‌خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاری‌ها مؤثر است. برعکس در شهرهای بزرگ، به‌علت مهاجرت‌های داخلی و بیگانگی شهروندان با یکدیگر، این نظارت وجود ندارد. در چنین مراکزی، کنترل و نظارت برعهده دستگاه‌های رسمی است که کارایی آن از نظارت غیررسمی کمتر است. در چنین فضایی، افزایش و تراکم جمعیت و سرانجام صنعتی‌شدن، به افزایش بسیار جرم و جنایت منجر می‌شود. البته باید درنظر داشت که شهرنشینی به‌طورمستقیم، به کج‌روی و تهدید امنیت اجتماعی نمی‌انجامد؛ بلکه ممکن است زمینه‌ساز چنین پدیده‌ای شود؛ چراکه در شهرها به‌دلیل اختلاف طبقاتی، گروه‌های مختلف شغلی، سنی، نژادی و...، منافع مختلف و ناهمگنی دیده می‌شود که سبب ستیز با هنجارهای اجتماعی می‌شود و افراد را از بسیاری قیدوبندها می‌رهاند (سلطانی، ۱۳۷۴: ۱۲۰). به‌طورکلی، می‌توان گفت تمرکز قدرت در دولت و انتظار برآورده‌شدن نیازهای جامعه از سوی آن موجب می‌شود تمامی فشار تأمین انتظارات شهروندان، بر دوش حکومت قرار گیرد؛ بنابراین، از قدرت پاسخگویی دولت کاسته می‌شود و با توجه به محدودیت منابع، دولت قادر به تأمین انتظارات فزاینده شهروندان نیست. شهروندان نیز که پاسخ به نیازهایشان را از سوی دولت دچار مشکل می‌بینند، خودشان درصدد تأمین آن برمی‌آیند. چنین شرایطی سبب می‌شود که افراد بدون درنظرگرفتن منافع دیگران در پی تحقق خواسته‌های فردی برآیند و نتیجه چیزی جز تضعیف وفاق بین آحاد جامعه و جایگزینی گسست به‌جای همبستگی و همدلی نیست.

۴. تأثیر امنیتی ساختار جمعیت در بعد اجتماعی و فرهنگی

تحولات ساختاری جمعیت در یک کشور و امکان شکل‌گیری بحران‌های ناشی از آن که به شکل نبود توازن سنی و جنسی، شهری و روستایی، مهارت و آموزش جمعیت ظهور می‌یابند، موجب بیکاری، فقر، بهداشت، مشکل‌های مسکن و... می‌شوند که به‌طور مؤثر امکان ایجاد چالش‌هایی در بعد اجتماعی و فرهنگی را به‌همراه دارند. حساسیت و اهمیت بعد اجتماعی امنیت نیز در نگرش بوزان، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که هرگونه تغییر هویتی را باید ناشی از تحولاتی

اساسی در مسائل فرهنگی و ارزشی یک جامعه قلمداد کرد؛ بنابراین، فرهنگ و ارزش‌های مشترک، از عوامل پایداری و استحکام کشورها شناخته می‌شوند. غالب حکومت‌ها در کنار سایر عوامل، حفظ و گسترش ارزش‌های مورد نظر خود را جزء اهداف و منافع ملی می‌دانند؛ بنابراین، عواملی که به تضعیف یا از بین بردن فرهنگ و ارزش‌های مشترک منجر می‌شوند، از جمله تهدیدهای امنیتی به‌شمار می‌روند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷). اگر طرح و برنامه در راستای پیشرفت متوازن در کشور با توجه به ساختارهای عینی و محدودکننده (مانند سرزمین، جمعیت، منابع، اقوام و...) وجود نداشته باشد، نیل به هرگونه توسعه ممکن نیست. بنابر اهمیت چنین موضوعی و با توجه به محدودیت‌های منابع و امکانات درآمدهای ملی، در زمینه تحول‌های ساختاری جمعیت، هرگونه تغییری مانند کاهش یا افزایش بی‌رویه، انباشتگی جمعیت در شهرها و معکوس شدن روندهای جمعیتی موجب ناسازگاری و ناهنجاری اجتماعی می‌شود. در چنین وضعیتی، هنجارها، ارزش‌های اخلاقی و انسانی و همبستگی و وحدت ملی، در معرض سقوط قرار می‌گیرد. ناسازگاری و بی‌هنجاری وضعیتی است که در آن، معیارهای اجتماعی دچار پریشانی و با یکدیگر ناهم‌ساز می‌شوند و فرد برای هماهنگ شدن با آن‌ها دچار سرگشتگی می‌شود. از این‌رو، فرد با پناه بردن به درون خود، به‌صورت بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند؛ برای مثال، اختلاف‌ها، نابسامانی‌ها، کج‌رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، پیامد بی‌هنجاری و بیگانگی و نیز نظارت اجتماعی ناکافی است؛ به‌عبارت دیگر، مسائل اجتماعی مانند خودکشی، اعتیاد، بزهکاری و...، پیامد بیگانگی و بی‌هنجاری و نظارت ناکافی بر گروه‌هایی است که با یکدیگر در نظام اجتماعی رقابت می‌کنند، تعادل اجتماعی را دچار آشوب و فرد را دچار آشفتگی می‌کنند؛ یعنی هنگامی که فردی یکی از وسایل ارضای نیاز را ادراک کند و ببیند دیگران آن وسیله را در اختیار دارند، اما او امکان به‌دست آوردنش را ندارد، دچار احساس بی‌عدالتی نسبی یا محرومیت نسبی، به‌تدریج بغض، حسادت و واکنش‌های عاطفی مانند تعویض شغل، خودکشی و... می‌شود. در صورت نبود کنترل اجتماعی، رفتارهای ناهنجار دیگری (مانند دزدی، کارشکنی و...) به‌وجود می‌آید (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۳۵).

۵. تأثیر امنیتی ساختار جمعیت در بعد نظامی

توجه به بعد امنیتی مسائل نظامی، مهم‌ترین حوزه در دیدگاه‌های سنتی بوده است. سایر حوزه‌ها در اغلب موارد از این حوزه تأثیر پذیرفته‌اند و چندان محوریت نداشته‌اند. هرچند تحول‌های سیاسی و راهبردی پس از پایان جنگ سرد سبب تغییر شدید محیط امنیتی جهان شده‌اند، اما همچنان در بعد سخت‌افزاری، توانایی‌های نظامی اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. معمولاً تهدیدهای نظامی همه اجزای دولت را تهدید می‌کنند و ممکن است موجب اختلال یا نابودی نهادها شوند و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو کنند. همچنین، تدابیر نظامی نه تنها به‌طور بنیادین بر کارکردهای حفاظتی دولت‌ها اثر دارند؛ بلکه منافع گوناگون اجتماعی و فردی را نیز - که پایدارتر از رونب‌های دولت‌ها هستند - تهدید می‌کنند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷). به‌همین سبب، رویکرد نظامی اولین رویکرد منسجمی است که در حوزه مطالعه‌های امنیتی، توجه پژوهشگران را به خود جلب می‌کند و با وجود انتقادات به این رویکرد، آنچه اتفاق افتاده، مربوط به تغییر چهره نظامی‌گری در این حوزه از پژوهش‌هاست. در واقع، به این موضوع با حفظ اهمیت و اولویت خود در عرصه امنیت توجه شده است. همچنین، تلاش کشورهای توسعه‌یافته برای پرداختن به ابعاد و توانمندی‌های نظامی، تأییدی بر این مدعاست. در واقع، در رویکردهای نوین نظامی، هرچند برخلاف گذشته جنگ و توان نظامی حرف اول و آخر را نمی‌زند، اما بیش از پیش، بر شأن ابزارهای نیروی نظامی تأکید می‌شود (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۹). پیش از این، جمعیت همواره از متغیرهای تأثیرگذار بر افزایش قدرت نظامی کشورها تلقی شده است و با وجود تحول‌های بنیادی در فناوری‌های نظامی و راهبردهای نوظهور در این عرصه همچنان می‌توان آن را در امنیت نظامی یک کشور تأثیرگذار دانست. بعضی از این موارد را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف) تحول‌های ساختاری که در جمعیت ایران در حال شکل‌گیری است، در وهله نخست و به‌طور مشخص تعداد افراد نیروی نظامی کشور را متحول می‌کند. روندهای جمعیتی کشور مانند تغییر هرم سنی و حرکت به‌سوی کهنسالی و نبود توازن در نسبت تعداد زن و مرد موجب کاهش تعداد افراد شاغل در نیروهای نظامی می‌شود.

ب) کاهش جمعیت فعال و توانا برای استخدام در بخش فعالیت‌های نظامی کشور، مشکل‌های دیگری را در بخش صنایع و ساخت ابزارهای نظامی ایجاد می‌کند و زیرساخت‌های نظامی کشور را با محدودیت روبه‌رو می‌کند. با وجود امکان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های برتر نظامی برای یک کشور، به دلیل ناتوانی در فراهم کردن نیرو و افراد کافی و ماهر، به‌طور کلی قدرت نظامی کشور با نواقصی روبه‌رو می‌شود.

ج) به دلیل چالش ناشی از کمبود منابع اقتصادی و لزوم سرمایه‌گذاری در بخش زیرساختی اقتصاد کشور، به‌ناچار میزان سرمایه‌گذاری در بخش نظامی برای تقویت بنیه، تجهیزات و فناوری‌های نظامی کاهش خواهد یافت. این مسئله به‌طور مستقیم به کاهش قدرت نظامی کشور منجر می‌شود و از آنجا که بعد نظامی امنیت، همچنان توانایی تأمین و حفظ امنیت سخت‌افزاری (داخلی و خارجی) را دارد، کاهش قدرت نظامی کشور، جایگاه و موقعیت کشور را به‌لحاظ سیاسی و امنیتی در سطح جهان کاهش خواهد داد.

۶. تأثیر امنیتی ساختار جمعیت در بعد زیست‌محیطی

چنانکه گفته شد، تحلیل امنیت در نگاه بوزان، حاصل توسعه دستور کار امنیت است تا علاوه بر بخش‌های نظامی و سیاسی، سایر بخش‌ها را نیز دربرگیرد. از نظر او، امنیت زیست‌محیطی نیز بر حیات بشری تأثیر می‌گذارد. ویژگی مهم مسائل زیست‌محیطی، محدودنشدن در زمان و مکان است. جنگ‌ها به‌عنوان مهم‌ترین حوادثی که امنیت جوامع بشری را به‌خطر می‌اندازند، تنها چند سال طول می‌کشند. درمقابل، جنگی سرد که بیشترین تأثیر امنیتی را به کشورهای جهان تحمیل کرد، نزدیک به نیم‌قرن به‌طول انجامید. حوادث و وقایع اجتماعی، اقتصادی و...، مدت کوتاهی در اوج تأثیرگذاری بر جوامع بشری هستند و پس از مدتی به حالت تعادل بازمی‌گردند، اما تغییرهای اقلیمی موجب ایجاد جهانی بی‌ثبات می‌شوند که گاه تا قرن‌ها ادامه دارد؛ برای مثال، تغییرهای جاری زیست‌محیطی، به‌مدت بیش از هزارسال بر تغییرهای تمام زمین تأثیر می‌گذارد (لطفی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۸). پدیده پارگی لایه ازن و گرم‌شدن جو، وارونگی هوا، باران‌های اسیدی، بالا آمدن سطح دریا و خطر موجودات ذره‌بینی بیماری‌زا قرن‌ها ادامه دارد. با توجه به اهمیت این موضوع، می‌توان گفت ساختار جمعیت نیز با بعد زیست‌محیطی امنیت، ارتباطی مستقیم می‌یابد. در بحث از تأثیر یا رابطه محیط‌زیست با مسائل امنیتی ناشی از جمعیت، معمولاً پدیده نوظهوری با عنوان امنیت زیست‌بوم مطرح می‌شود. امنیت زیست‌بوم‌شناختی، عاملی متوازن‌کننده میان انواع ویژه‌ای از روابط بین موجودات انسانی و محیط فیزیکی زندگی آن‌هاست. براین‌اساس، هر نوع تغییر در سطح الگوهای جمعیت‌شناختی و رفتارهای جمعیتی، این توازن امنیتی را تهدید می‌کند و از طریق افزایش ناامنی، زمینه تخریب زندگی افراد، گروه‌ها، جامعه و دولت‌ها را فراهم می‌کند. با توجه به نقش و کارکرد جمعیت در بعد امنیت زیست‌محیطی، ممکن است ایران با این مسائل مواجه شود:

الف) رشد سریع جمعیت، تقاضا برای استفاده از منابع کمیاب و بهره‌برداری و حفظ آن را ایجاب می‌کند، اما با توجه به ناتوانی منابع در پاسخگویی به این نیازها، همواره نوعی تخریب و تنزل محیط‌زیست روی خواهد داد. این امر نیز به بروز آسیب‌های روانی، فیزیکی و بهداشتی و در نتیجه، بروز خشونت و تعارض‌های مدنی در جامعه منجر می‌شود.

ب) حرکات جمعیت مانند مهاجرت (از روستا به شهر، از شهر کوچک به شهر بزرگ، شهر بزرگ به مادرشهر و کلان‌شهر)، چالش‌هایی به‌همراه دارد. پیش‌بینی‌های امنیت بوم‌زیست‌محیطی نشان می‌دهد که تمام درختان، به‌خاطر کارایی اقتصادی‌شان از بین می‌روند و آب، منبعی کمیاب و محل تنازع می‌شود. همچنین، فشار امنیتی جمعیت در ۲۵ سال آینده و بر زمین کشاورزی، پدیده‌هایی مانند قحطی، سوء‌تغذیه، خشکسالی و گرسنگی را به‌دنبال دارد.

ج) افزایش جمعیت شهری نیز مسائلی مانند وضعیت مسکن، خدمات شهری و زیرساخت‌های شهری را به‌همراه دارد. امکان افزایش حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی، مسئله آب‌رسانی و فاضلاب شهری، مسئله غذا، حمل‌ونقل و بهداشت، از این جمله است.

د) در نتیجه فشار جمعیتی بر محیط‌زیست، مسئله تهدید ایدز و جنگ جمعیت‌های انسانی با ویروس‌ها، میکروب‌ها و باکتری‌ها بروز می‌کند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۸: ۹).

۷. سطح خارجی تأثیرهای جمعیت جمهوری اسلامی ایران

امروزه به دلیل ارتباطها و نزدیکی ملت‌ها با یکدیگر، این امر پذیرفته شده است که ابعاد خارجی و داخلی امنیت یک کشور، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. جنبه داخلی، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدها در مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها ممکن است سیاسی (شورش، جدایی‌طلبی)، اقتصادی (نابسامانی و بحران اقتصادی)، نظامی (کودتا و جنگ داخلی) و اجتماعی (آشوب و شورش اجتماعی) باشند که هر یک به نوعی موجودیت دولت را تهدید می‌کنند. جنبه خارجی امنیت نیز به تهدیدهای برون‌مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشار سیاسی)، نظامی (حمله یا تهدید به حمله و تقویت نظامی دشمن)، اقتصادی (تحریم اقتصادی) و فرهنگی و اجتماعی دارد (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۸۰-۱۸۱)؛ بنابراین، امنیت تنها نبود تهدیدهای نظامی نیست؛ مجموعه‌ای از تهدیدها در تعریف و تحلیل امنیت تأثیرگذار است. همچنین امنیت، ثابت و یکنواخت نیست؛ بلکه در بستر زمان، همراه با پیشرفت و توسعه تحول می‌یابد. در مجموع، در هر نظام سیاسی، نحوه تحول‌های جمعیتی بدون در نظر گرفتن و فراهم آوردن امکانات و توانمندی‌ها موجب گسترش فقر و بیکاری، از هم‌گسیختگی و ناهنجاری‌های اجتماعی، افزایش حاشیه‌نشینی، مهاجرت، کمبود مسکن، بی‌سوادی، سوءتغذیه، گسترش بیماری‌های روانی و سایر مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و به‌طور کلی امنیتی می‌شود (طیب، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۰). برای بیان تأثیر و تأثر جمعیت در بعد خارجی امنیت می‌توان به پیش‌بینی مشکل‌های ناشی از روندهای جمعیتی در سطح جهان نگاهی داشت: نخست اینکه بخش عمده‌ای از رشد جمعیت، در کشورهای توسعه‌نیافته رخ می‌دهد که با مشکل‌هایی نظیر گرسنگی، بی‌خانمانی و آموزش مواجه‌اند. در مقابل، رشد جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر از حد عادی است و همین سبب وقوع بحران می‌شود. نبود نیروی کار جایگزین، یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی است که در این جوامع وجود دارد. دوم اینکه بخش عمده‌ای از رشد جمعیت جهان، در مناطق شهری رخ می‌دهد. برنامه‌ریزان شهری، مقامات رسمی و مسئولان نظامی، نگران‌اند که مسئله مالیات در این شهرها چگونه می‌شود و محدودیت در این حوزه، سبب بروز هرج‌ومرج و ناآرامی می‌شود. این شهرها در نتیجه مسائل بسیار ساده، مثلاً یک مسابقه ورزشی، شاهد خشونت‌های گسترده‌اند. حتی شهرهای توسعه‌یافته نیز دچار خشونت می‌شوند. هزاران گروه می‌توانند نظم شهر لس‌آنجلس را برهم بزنند و از پلیس در امان باشند. سوم اینکه بخش زیادی از این جمعیت، بسیار جوان است و این امر مشکل‌های زیادی در بر دارد. انفجار جمعیت جوان، مسئله اصلی ناتوانی ارائه خدمات به این جمعیت را در پی دارد که موجب فقر، هرج‌ومرج و ناامیدی می‌شود (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۱۵). گراهام فولر جمعیت روبه‌رشد جوان را انباشتگی جوانان^۱ می‌نامد و معتقد است ایده‌ها و هویت‌های قومی در کشورهای چندقومی، به‌طور روزافزونی در فضای جمعیت روبه‌رشد آن دیده می‌شود. مخرج مشترک مفهوم انباشتگی جمعیت با مفهوم سیاست‌های هویت این است که جوانان در رأس سیاست‌های هویتی می‌توانند انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، نژادی، مذهبی و زبانی را در این کشورها پیش ببرند؛ برای مثال، متوسط سنی اعضای القاعده در منطقه خاورمیانه را جوانان تشکیل می‌دهند؛ همچنان که متوسط سنی گروه‌های جدایی‌طلب در فیلیپین، سریلانکا، کشمیر، چین و دیگر مناطق جوانان هستند (هادیان، ۱۳۸۴: ۲۲۴ و ۲۳۲). این پیش‌بینی‌ها بیانگر امکان شکل‌گیری چالش‌های ناشی از تحول‌های جمعیتی در یک منطقه یا سطح جهان هستند. در زمینه ساختار جمعیتی ایران، بعد خارجی امنیت کشور را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مسائل داخلی، در خلأ در نظر گرفت. حتی در صورت نادیده گرفتن امکان بروز چالش‌های جمعیتی جهان و تأثیرهای آن بر ایران به لحاظ داخلی، جمعیت کشور محدودیت‌ها و تنش‌هایی در امنیت خارجی کشور پدید می‌آورد.

از نظر جمعیتی، ایران ویژگی‌های بسیار مهم و حتی منحصر به فردی دارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، بر سیاست خارجی کشور تأثیر می‌گذارد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های جمعیتی ایران، جوان بودن آن است. جمعیت جوان، دولت را

با تقاضاهای ویژه‌ای مانند اشتغال و کارآفرینی، آموزش، تأمین مسکن، توسعه و رفاه اقتصادی روبه‌رو می‌کند. این امر متضمن اولویت‌یافتن اهداف و منافع اقتصادی در سیاست خارجی و اقتصادمحور شدن آن است. همچنین، بیش از نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند که یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر روابط با کشورهای غربی و مجامع بین‌المللی به‌شمار می‌رود. انتقاد کشورهای اروپایی و سازمان‌های حقوق بشر از جمهوری اسلامی به بهانه رعایت‌نکردن حقوق زنان، همواره یکی از حوزه‌ها و موضوع‌های بحران‌زا و چالش‌برانگیز در مناسبات ایران و غرب بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۴). در مجموع، همان‌طور که در بخش چالش‌های اقتصادی جمعیت بحث شد، ضعف اقتصادی، به‌طور مستقیم در ارتباطات خارجی کشور نمودار می‌شود؛ برای مثال، ناتوانی در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اقتصاد تک‌محصولی، کشور را هرچه وابسته‌تر می‌کند و در چنین وضعیتی، هرگونه اعمال فشار خارجی مانند تحمیل تحریم‌های بین‌المللی، به‌گونه‌ای مؤثر، روندهای امنیتی کشور را دچار مسئله می‌سازد. همچنین، کاهش توان و قدرت نظامی که بر اثر چالش‌های جمعیت بروز می‌یابد، مشکل‌های امنیتی سخت‌افزاری بیشتری برای کشور به‌همراه دارد؛ برای مثال، حفاظت مؤثر از مرزهای کشور یا دفاع در برابر تهاجم‌های نظامی دچار اشکال می‌شود. به‌هرحال، هرگونه چالش داخلی که تحول‌های ساختاری جمعیت را در پی داشته باشد، به‌لحاظ خارجی نیز امکان و ظرفیت ایجاد چالش را برای امنیت کشور دارد.

نتیجه‌گیری

در رویکرد بوزان، امنیت به پنج بعد نظامی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی گسترش می‌یابد. از نظر او تهدیدهایی مانند تجاوز یک کشور به تمامیت ارضی کشور دیگر، تزلزل در ثبات سازمانی دولت، احساس بی‌هویتی گروه‌های اجتماعی، تغییرهای آب‌وهوایی، از دست رفتن تنوع زیستی، از بین رفتن جنگل‌ها، گسترش صحراها، زوال لایه ازن، رشد بیکاری، روند نزولی رفاه و تولید ارزش افزوده، تهدیدهایی کاملاً عینی، ثابت و قابل‌محاسبه‌اند؛ بنابراین، خطرهای امنیتی، صرفاً نظامی نیستند؛ بلکه بحران‌های فراملی مانند تروریسم، تحول‌های سریع جمعیت، قاچاق مواد مخدر، معضل‌های زیست‌محیطی و سیل آوارگان، به‌طور جدی بر سیاست‌های امنیتی کشورها تأثیر می‌گذارند. در این نوشتار، اثربخشی سیاسی جمعیت ایران و ماهیت تحول‌های آن در مباحث امنیتی بررسی شد. وضعیت جمعیت‌شناختی کشور، درحال تجربه نظام جدیدی است که ابعاد نوظهوری مانند توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی سریع، انتقال‌های ساختار سنی، سالخوردگی، تغییرهای خانواده، نابرابری جنسیتی، فقر و نابرابری، تخریب محیط زیست و... را به‌همراه دارد. در بیان تأثیرهای جمعیت ایران بر بعد اقتصادی امنیت عنوان شد که جمعیت، عاملی تأثیرگذار بر زیرساخت اقتصادی کشور است. نبود توازن جمعیت شهری و روستایی، جابه‌جایی، برهم‌خوردن ساختار سنی و جنسیتی جمعیت، بر رشد و امنیت اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به‌لحاظ امنیت سیاسی نیز تحول‌های جمعیتی از قدرت پاسخگویی حکومتی می‌کاهد و دولت با توجه به محدودیت منابع، قادر به تأمین انتظارات فزاینده شهروندان نیست. در نتیجه، وفاق ملی با گسست مواجه می‌شود. تحول‌های ساختاری جمعیت در یک کشور و امکان شکل‌گیری بحران‌های ناشی از آن که به شکل نبود توازن سنی و جنسی، شهری و روستایی، مهارت و آموزش جمعیت و در نتیجه آن‌ها بیکاری، فقر، بهداشت، مشکل‌های مسکن و... ظهور می‌یابند، به‌طور مؤثر، امکان ایجاد چالش‌هایی در بعد اجتماعی و فرهنگی را به‌همراه دارند. حساسیت و اهمیت بعد اجتماعی امنیت نیز در نگرش بوزان، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که هرگونه تغییر هویتی را باید ناشی از تحول‌های اساسی در مسائل فرهنگی و ارزشی یک جامعه دانست. در بعد نظامی امنیت، تحول‌های ساختاری جمعیت، تعداد نیروها، صنایع و زیرساخت‌ها و سرانجام میزان سرمایه‌گذاری در بخش نظامی را دگرگون می‌کند. در بعد امنیت زیست‌محیطی، جمعیت کشور مشکل‌های متعددی دارد و با توجه به محدودیت‌های منابع طبیعی، مسائلی مانند فراهم کردن امنیت غذایی، مسئله آبرسانی و فاضلاب، حمل‌ونقل، بهداشت و بیماری‌های همه‌گیر از این جمله‌اند. در نهایت، در زمینه چالش‌هایی که جمعیت کشور در بعد خارجی به‌همراه دارد، بیان شد هرگونه چالش داخلی که تحول‌های ساختاری جمعیت را در پی داشته باشد، به‌لحاظ خارجی نیز امکان ایجاد چالش را برای امنیت کشور دارد.

منابع

۱. آرز، ادوارد و مون، چونگ‌این، ۱۳۷۹، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲. اعظمی، هادی و علی‌اکبر دبیری، ۱۳۹۰، تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۴۷-۱۸۲.
۳. افتخاری، اصغر، نادری باباناری، مهدی و حسین میسمی، ۱۳۹۰، بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴: رویکردی چندجانبه، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰، صص ۵۳-۸۰.
۴. امانت، حمید، ۱۳۹۰، امنیت اجتماعی و ارائه الگوی سنجش آن، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره ۲۷، صص ۱۴۵-۱۷۶.
۵. بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۶. بوزان، باری، ۱۳۷۹، آشنایی با حوزه مطالعات مکتب کپنهاک در امنیتی (گفت‌وگوی علمی با پژوهشکده مطالعات راهبردی)، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۳، صص ۹-۱۶.
۷. بیلینس، جان و دیگران ۱۳۸۳، استراتژی در جهان معاصر: مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک، ترجمه کابک خیبری، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
۸. تریف، تری و دیگران، ۱۳۸۳، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۹. چوخالچی‌زاده مقدم، محمدباقر و داوود امینی قشقانی، ۱۳۸۹، بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی - امنیتی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۸۶-۲۱۰.
۱۰. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
۱۱. خادم، فاضله، ۱۳۹۱، ژئوپلیتیک قدرت‌های در حال ظهور (بریک) و چشم‌انداز سال ۲۰۵۰، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۲، صص ۹۶-۱۲۴.
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۸۸، منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی‌ونهم، شماره ۳.
۱۳. رضائیان، علی، ۱۳۸۳، اصول مدیریت، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. رنجبر، مقصود، ۱۳۸۵، مفهوم امنیت در اندیشه‌های سده میانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۱، صص ۷۳-۹۸.
۱۵. روشندل، جلیل، ۱۳۸۷، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، انتشارات سمت، تهران.
۱۶. سلطانی، محمدعلی، ۱۳۷۴، اثرات جمعیت بر ناهنجاری‌های اجتماعی، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۱۱۷-۱۲۶.
۱۷. سیدمیرزایی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، ملاحظاتی پیرامون ابعاد سالمندی با نگاهی به تجربه ژاپن، پژوهشنامه علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۲۰۱-۲۲۲.
۱۸. صادقی، رسول، ۱۳۸۸، جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها: یافته‌های تحقیقات کاربردی پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران.
۱۹. طیب، علیرضا، ۱۳۸۰، ارزیابی انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل، نشر نی، تهران.
۲۰. عبدالله‌خانی، علی، ۱۳۸۳، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
۲۱. عساریان‌نژاد، حسین، ۱۳۸۱، جوشی بر امنیت ملی، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران.

۲۲. عطارزاده، مجتبی، ۱۳۷۸، **پویش امنیتی رشد جمعیت در ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوم، شماره ۵ و ۶، ص ۶۳-۸۶.
۲۳. فتحی، الهام، ۱۳۸۸، **بررسی سالمندی جمعیت ایران در نیم‌قرن اخیر و آینده آن تا سال ۱۴۳۰ هجری شمسی**، مجله برنامه، شماره ۳۳۴، صص ۲۱-۲۴.
۲۴. قادری حاجت، مصطفی و دیگران، ۱۳۸۹، **تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون: مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۵۱.
۲۵. قاضی طباطبائی، محمود و توکل آقایی هیر، ۱۳۸۸، **جمعیت و فقر در ایران**، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران.
۲۶. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۶، **روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها**، سمت، تهران.
۲۷. کاویانی‌راد، مراد، ۱۳۹۰، **پردازش مفهوم امنیت زیست‌محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی)**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۳، صص ۸۰-۱۰۰.
۲۸. لطفی حیدر و دیگران، ۱۳۹۰، **امنیت زیست‌محیطی و سیاستگذاری امنیت ملی**، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۲۱-۱۴۴.
۲۹. لینکلینتر، آندرو، ۱۳۸۵، **جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران.
۳۰. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، سمت، تهران.
۳۱. محمدیان حسین، حیدری غلامحسن و محمدباقر قالیباف، ۱۳۹۱، **تحلیل نقش جمعیت کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۱، صص ۸۲-۱۱۱.
۳۲. مرادیان، محسن، ۱۳۹۰، **مدل‌سازی ریاضی برای سنجش امنیت خارجی مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۷۰-۲۰۲.
۳۳. مورگنتا، هانس، ۱۳۸۴، **سیاست میان‌ملتها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
۳۴. نجاتی حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۸، **چالش‌های و سیاست‌های جمعیتی امنیتی جمهوری اسلامی ایران: سیاست‌پژوهی امنیتی جمعیتی برنامه‌های توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۸)**، ویژه‌نامه امنیت و توسعه، کتابخانه دیجیتالی دید.
۳۵. وارثی، حمیدرضا و دیگران، ۱۳۸۶، **بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت**، مجله جغرافیا و توسعه، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۳۹-۱۵۶.
۳۶. هادیان، حمید، ۱۳۸۴، **امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: ایده‌های متباین قومی و جمعیت روبه‌رشد جوان**، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال دوازدهم، شماره ۴۹-۵۰، صص ۲۲۱-۲۴۰.
۳۷. هاووک، پیتر، ۲۰۰۴، **روند تاریخی غیرامنیتی کردن پدیده‌های امنیتی، در امنیت و امنیتی کردن امنیت جهانی**، ترجمه محمدرضا خسروی، ماهنامه نگرش راهبردی، سال هفدهم، شماره ۷۹ و ۸۰، صص ۱۹۱-۲۱۶.
38. Abdullahkhani, A., 2002, **Theory of Security: Introduction to the Doctrine of National Security Planning**, Abrar Moasser Publications, Tehran. (In Persian)
39. Amanat, H., 2010, **The Measurement Model for Providing Social Security**, Social Security Studies, Vol.6, No27, PP. 145- 176. (In Persian)
40. Assariannezhad, H., 2001, **The Quest of National Security**, Iran Farabi College of Science and Technology, Tehran. (In Persian)
41. Attarzadeh, M., 1998, **Security Dynamics of Population Growth in Iran**, Quarterly of Strategic Studies, Vol.4, No. 5 & 6, PP. 63- 86. (In Persian)
42. Azami, H. and Dabiri, A. A., 2010, **Analysis of the Political Division of Space in Iran**, Geopolitics Quarterly, Vol. 7, No. 2, PP.147- 182. (In Persian)

43. Azer, E. and Moon Chung, I., 1999, **National Security in the Third World**, Translated by: Center for Strategic Studies, Strategic Studies Institute Publications, Tehran. (*In Persian*)
44. Baylis, J., et al., 2002, **Strategy in the Contemporary World: An Introduction to Strategic Studies**, Translated by: Khabiri, B., Abrar International Institute for Contemporary Cultural Studies, Tehran. (*In Persian*)
45. Buzan, B., 1999, **Introducing of the Copenhagen School in the Security Studies (The Scientific Research Institute for Strategic Studies)**, Translated by: **Institute for Strategic Studies**, Quarterly of Strategic Studies, Vol. 3, No. 3, PP. 9- 16. (*In Persian*)
46. Buzan, B., 1998, **People, States and Phobia**, Translated by: Research Institute for Strategic Studies, Publications, Research Institute for Strategic Studies, Tehran. (*In Persian*)
47. Chukhanizadeh Moghaddam, M. B. and Amini Gheshghelani, D., 2009, **Contexts of the Insecurity in Border Areas of West Azerbaijan Province from the Perspective of Military Geography, Security Geopolitics Quarterly**, Vol. 6, No. 3, PP. 186- 210. (*In Persian*)
48. Dehghani Firouzabadi, S. J., 2008, **National Resources and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran**, Quarterly of Politics, Faculty of Law and Political Sciences, Vol. 39, No. 3, PP. 221- 246. (*In Persian*)
49. Eftekhari, A., Naderi Bab Anari, M. and Meyssami, H., 2010, **Reviewing of the Security Requirements of the Vision of the Islamic Republic of Iran the Horizon in 1404: A Multilateral Approach**, Quarterly of strategy, Vol. 20, No. 60, PP. 53- 80. (*In Persian*)
50. Fathi, E., 2008, **Study of the Aging Population in the Last Half Century and its Future up to the Year 2019**, Journal of Programming, No. 334, PP. 21- 24. (*In Persian*)
51. Ghavam, A., 2006, **International Relations: Theories and Approaches**, Samt, Tehran. (*In Persian*)
52. Kaviani Rad, M., 2011, **Rendering the Concept of Environmental Security (Security Relationship and Ecology)**, Quarterly of Geopolitics, Vol. 17, No. 3, PP. 80- 100. (*In Persian*)
53. Ghazi Tabatabai, M. and Aghayari Hare, T., 2008, **Population and Poverty in Tehran**, Asia-Pacific Population Studies and Research Center, Tehran. (*In Persian*)
54. Ghaderi Hajat, M., et al., 2009, **Explaining the Role of Markets in Border Security and Sustainable Development in the Surrounding Areas, Case Study: South Khorassan Frontier Markets**, Quarterly of Geopolitics, Vol. 6, No. 3, PP. 121- 151. (*In Persian*)
55. Hadiyan, H., 2004, **The National Security of the Islamic Republic of Iran: Ethnic Contradictory Ideas and a Growing of Young Population**, Parliament and Research Quarterly, Vol. 12, No. 49-50, PP. 221- 240. (*In Persian*)
56. Hafezniya, M. R., 2004, **Principles and Concepts of Geopolitics**, Papoli Publication, Mashhad. (*In Persian*)
57. Hawg, P., 2004, **The Historical Process of Making Non-Securitization of Security Phenomena: Security and Globalization**, Translated by: Khosravi, M. R., Monthly Strategic Outlook, Vol. 5, No. 79 & 80, PP. 191- 216. (*In Persian*)
58. Khadem F., 2011, **Emerging Geopolitical Powers (BRIC) and Outlook in 2050**, Journal of Geopolitics, Vol. 8, No. 2, PP. 96- 124. (*In Persian*)
59. Linkleater, A., 2004, **Community and Collaboration in International Relations**, Translated by: Mostaqimi, B., The State Department's Bureau of Political and International Studies, Tehran. (*In Persian*)
60. Lotfi, H., et al., 2010, **Environmental Security and National Security Policy**, New Approaches in Human Geography Quarterly, Vol. 3, No. 4, PP. 121- 144. (*In Persian*)
61. Mohammadian, H., Heydari, G. H. and Ghalibaf, M. B., 2011, **The Population of Metropolitan Tehran: Analysis of National Power**, Quarterly Geopolitics, Vol. 8, No. 1, PP. 82- 111. (*In Persian*)
62. Mojtahedzadeh, P., 2001, **Philosophy of Geopolitics**, Samt Publication, Tehran. (*In Persian*)
63. Moradian, M., 2010, **Mathematical Modeling for the Assessment of External Security Case Study: Islamic Republic of Iran**, Quarterly geopolitics, Vol. 17, No. 1, PP. 170- 202. (*In Persian*)

64. Morgenthau, H., 2004, **Politics Among Nations**, Translated by: Moshizadeh, H., Office for Political and International Studies, Tehran. *(In Persian)*
65. Nejati Hosseini, S. M., 2008, **The Demographic Challenges and Security Policies of the Islamic Republic of Iran: A Population-Based Security, Research Policy Development (1995-2007)**, Special Issue on Security and Development, Digital Libraries of Did. *(In Persian)*
66. Ranjbar, M., 2004, **The Concept of Security in the Middle Ages Ideas**, Strategic Studies Quarterly, Vol. 9, No. 1, PP. 73- 98. *(In Persian)*
67. Rezaeian, A., 2002, **Principles of Management**, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
68. Roshandel, J., 2007, **National Security and the International System**, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
69. Soltani M. A., 1996, **Effects of Population on the Social Abnormalities**, Geographical Studies, Vol. 7, No. 39, PP. 117- 126. *(In Persian)*
70. Seyed Mirzaei, S. M., 2006, **Considerations about Aspects of Aging with a Look at the Japanese Experience**, Journal of Human Sciences, Vol. 11, No. 53, PP. 201- 222. *(In Persian)*
71. Sadeghi, R., 2008, **Population and Development in Iran: Dimensions and Challenges**, The Results of Population Applied Research and Development Projects, Tehran University, Center for Population Studies and Research Asia Pacific, Tehran. *(In Persian)*
72. Tayeb, A. R., 2000, **Critical Evaluation of International Security**, Ney Publishing, Tehran. *(In Persian)*
73. Terif, T., et al., 2020, **Modern National Security Studies**, Translated by: Tayeb, A. R. and Bozorgi, V., Institute for Strategic Studies, Tehran. *(In Persian)*
74. Varesi, H. R., et al., 2006, **Effects of Urban Spatial Inequality in the Distribution of Population**, Journal of Geography and Development, Vol. 9, No. 9, PP. 139- 156. *(In Persian)*
75. Walt, S., 1991, **The Renaissance of Security Studies**, International Studies Quarterly, Vol. 2, No. 35, PP. 198- 205.